

صدای انقلاب خاورمیانه

"مشت آهنین" دیکتاورها را می شکند!



جوانان در مصر (قدرت برای مردم و انقلاب تا پیروزی)

چرا شورش شد؟

این روزها قاره ی سیاه نقطه ی تمرکز دنیا است. تونس آغازگر شورش بود. مردم در اعتراض به خودسوزی جوان تحصیلکرده ی دست فروشی که از این کار هم توسط پلیس منع شده بود و در واقع از خشم فرو خورده ی سال ها استبداد و بی عدالتی و خفقان، به خیابان ها ریختند و در مدت چند روز دولت بن علی سقوط کرد. تونس سال ها مستعمره ی فرانسه بود. بعد از استقلال از فرانسه نیز بن علی که سال ها در ارتش و بعد هم به عنوان رییس اطلاعات و امنیت کشور، با یک کودتا به ریاست جمهوری رسید سر سپرده خوبی برای فرانسوی ها شد. اما بعد از سقوط دولتش فرانسه به او اجازه ی ورود نداد. این روزها دیگر جایی برای سرسپردگان حتی با چمدان های پر از پول و طلا پیدا نمی شود. البته این فریبکاری های قدرت های غربی اتفاق جدیدی نیست. آمریکا شادمان از اینکه نومستعمره ی رقیب دیرینش با بحران مواجه شده، غافل بود از این که این موج همسایگان تونس را نیز در می نوردد. یمن و اردن هم به پا خاستند. در الجزایر تظاهرات های پراکنده ای صورت گرفت. اما موج وقتی به مصر رسید رنگ و روی دیگری به میازات داد. این کشور مهم ترین کشور آفریقا و مهم ترین مرکز ثبات خاورمیانه است. مصر که دو سوم جمعیت ۸۰ میلیونی اش زیر خط فقر زندگی می کنند، می تواند خاورمیانه را دگرگون کند. منطقه ای که تمام دنیای امپریالیستی برای تصاحب آن به اشکال گوناگون برنامه ریزی می کند. علیرغم این که تونس

در زمان حکومت بن علی از لحاظ اقتصادی رشد چشمگیری داشته است، به طوریکه کشور های غربی می خواستند این نسخه را به عنوان الگو برای دیگر کشورهای منطقه هم به کار ببرند، اما بیکاری و فقر، فساد مسئولان حکومت و ... در این کشور بیداد می کند و خودسوزی یک جوان جرقه ای می شود برای آتشفشان خشم جوانان تونس و بعد هم الگویی برای کشورهای دیگر که سرنوشتی مشابه تونس دارند. اما فقط فقر اقتصادی و بیکاری نیست که فریاد مردم را بلند کرده است بلکه خفقان سیاسی و اجتماعی نیز عامل مهمی است که می تواند آتش زیر خاکستر را آنگونه شعله ور کند که یک به یک دامان دیکتاتورها را بگیرد. مصر نیز از قدرتمندترین و ثروتمندترین کشورهای منطقه است اما این شورش نشان از تضاد طبقات حاکم و محکوم، و ستمگر و ستمدیده دارد.

جایگاه جمهوری اسلامی



زنان در تونس

اما جمهوری اسلامی که نمی توانست چنین انفجار توده ای را منعکس نکند، مثل همیشه دروغ و فریبکاری اش را در اخبار مبارزات مردم تونس و مصر نشان داد. رسانه های حکومت حضور جریانات اسلامی را که در مصر و تونس در اقلیت ناچیز قرار دارند را برجسته نموده و تظاهرات مردم را اسلامی و به رهبری و دعوت این جریانات خواندند. آن ها روز بعد از فرار بن علی اعلام نمودند که بعد از ۲۴ سال از تلویزیون تونس اذان پخش شد و مردم برای این موضوع هلهله و شادی بر پا کردند. تظاهرات مصریان را در رهبری "اخوان المسلمین" متبلور کرد و از پیروزی اسلام در این کشورها خبر داد. کارشناسان سیاسی و حوزوی حکومت این خیزش را پس لرزه های انقلاب اسلامی ایران خواندند.

اما این واقعیت ندارد. این شورش، شورش گرسنگان است. شورش جوانانی مانند ماست که از بی عدالتی و خفقان به تنگ آمده اند. خیزشی است که دیر یا زود دامن بسیاری از مستبدان خاورمیانه از جمله جمهوری اسلامی را هم می تواند بگیرد. چرا که در ایران هم در کنار سال ها خفقان سیاسی و اجتماعی، همان طرح هدفمندی یارانه ها به اجرا در آمده است که در اصل ریاضت اقتصادی است که در کشورهای تحت سلطه به اجرا در آمده و موجی از فقر و بیکاری، جوانان بدون اشتغال و بدون چشم انداز و امید به آینده به جا گذاشته است. حکومت از چند ماه قبل از این طرح و بعد از آن صدها تن را در زندان هایش و در ملا عام اعدام کرده و می کند. همه این ها برای این بود تا موجی از سرکوب راه بیندازد و مردم را ساکت کند تا هرگز به فکر اعتراض نباشند. در حالی که برعکس این ها می تواند هم چون تونس و مصر باعث انفجار توده ها شود؛ به همین دلیل حکومت با فریبکاری و دروغگویی در

انعکاس اخبار سعی در گمراه نمودن مردم دارد. اما سرنوشت بن علی ها و حسنی مبارک ها هشدار است به آن ها که باید در دادگاه تاریخ پاسخگوی مردم باشند.

نقش زنان و جوانان

مردم آفریقا و جنوب خاورمیانه این روزها فستیوال شادی را در جنگ و گریزهای تن به تن خیابانی ترجمه و معنا می کنند. حضور دختران، زنان و جوانان برجسته است؛ و تصاویر رسانه های مختلف دنیا گویای این واقعیت است. حضورشان دلگرمی و نویدبخش روزهای خوبی است. بالاخص برای ما که شاهد یک خیزش سرکوب شده بودیم. امروز زنان شورشگران برجسته جهان عرب هستند. حضور زنان و دخترانی که بسیار رزمنده و شجاع در رویارویی با نیروهای پلیس شرکت دارند مهر تأییدی است بر این که این ستمدیدگان تاریخ خواستار رهایی و آزادی هستند؛ و هر چیزی که قید و بندی برای آن ها ایجاد کند آن را به زیر می کشند چه حکومت مذهبی و چه دیکتاتورهای سکولار. سیستم های ارتجاعی مذهبی و غیرمذهبی گوش به فرمان قدرت های امپریالیستی و سرمایه داری دنیا بیشتر از آن ها سیستم های ضد زن و مرد سالارانه را در کشورهایشان نهادینه کرده و مستحکم نموده اند و هر جرعه ای به هر دلیلی کافی است تا زنان را به میدان مبارزه آورد و آن ها اکنون در مرکز مبارزه هستند و حضورشان بار دیگر تأیید کننده این است که اگر تحولات بزرگ در دنیا اتفاق بیفتد، حتماً زنان پیشروان اصلی این تغییرات خواهند بود. این تازه آغاز کار است و سلسله وار در کشورهای دیگر هم در حال گسترش است.



خیزش مردم در مصر

واکنش امپریالیست ها

این روزها همه چیز در خیابان های مصر و تونس مشهود است. زنان و مردان خشمگین و رزمنده که با دستان خالی بن علی را بیرون کردند و در حال چین بساط اخراج حسنی مبارک هستند. آمریکا و اروپا دست و پایشان را گم کرده اند و به تکاپو افتاده اند. همه در فکر چاره اند، چه قدرت های سلطه گر و چه سرسپردگان آن ها. اما مردم خسته نمی شوند و هر روز در خیابان ها هستند. آن ها به هر نحوی می خواهند مردم را به خانه هایشان برگردانند. وقتی دیدند سرکوب مردم بی فایده است ژست های دموکراتیک و اصلاح طلبانه به خود گرفتند. می خواهند با

اصلاحات سرو ته همه چیز را به هم آورند. مدام مهره های جدید رو می کنند. پرهیز از خشونت را توصیه می کنند. نمی خواهند مبارزات گسترش بیشتری پیدا کند و به نقاط دیگر برسد. نمی خواهند ثبات خاورمیانه از دست برود. به همین خاطر هم پشت سرسپردگان شان را خالی کرده و اعلام می کنند که آن ها اشتباه کردند که سختگیری کردند. کسی تصور نمی کرد که روزی مردم بر علیه یک نکتاتور. گوش به فرمان آمریکایی، چون حسنی مبارک به پا خیزند. اما این اتفاق افتاد و هنگامی که مردم به میدان بیایند همه محاسبات قدرت ها به هم می ریزد. نه سرکوب جواب می دهد و نه وعده وعیدها. بن علی با نخست وزیرش جایگزین می شود و مبارک کابینه اش را تغییر می دهد. اما مگر فرقی دارد؟ همه آن ها متعلق به یک طبقه و یک دولت هستند. حتی اگر از جناح های مختلف باشند. هیچ کدام نمی خواهند که ماهیت و کلیت نظام از بین برود. به همین دلیل در این گونه مواقع همه مخالفان با هم متحد می شوند. وقایع ایران نمونه ی خوبی برای این موضوع است که رهبری سبز نمی خواست کلیت نظام جمهوری اسلامی از دست برود و مانع از ادامه و گسترش مبارزات مردم شد. اما مردم عرب به کمتر از سقوط مستبدان راضی نمی شوند. چه دل انگیز و روحیه بخش است برخاستن توده ها و چه امیدهای بزرگی حاکم است بر آفریقای این روزها.

و اما آلترناتیو

در این میان یک جای خالی بزرگ مشاهده می شود و آن حضور یک حزب پیشروی انقلابی است. در حال حاضر مبارزات مردم خودجوش است و هیچ رهبری ندارد. اما این خطر موجود است که به دست احزاب رفرمیست و مذهبی و بورژوایی بیفتد. اتفاقات امروز جهان که در مهم ترین منطقه ی آن یعنی خاورمیانه، در جریان است چراغ سبز خود را به تمام نیروهای انقلابی و کمونیست نشان می دهد. مبارزات خود به خودی مردم علیرغم تمام شجاعت ها و فداکاری هایشان اگر به دست یک حزب انقلابی کمونیست هدایت نشود مانند بسیاری از خیزش ها و حرکت های مردمی دیگر فروکش خواهد نمود و یا منحرف خواهد شد. همانطور که خیزش سال گذشته مردم ایران فروکش نمود. البته تفاوت بزرگ آن حرکت با اتفاقات امروز جهان عرب این بود که جناحی از حاکمیت رهبری آن خیزش را در دست داشت و همان باعث به هرز رفتن مبارزات مردم شد. امروز مردم ایران باید به خوبی این مسأله را درک کرده باشند و اگر هنوز برای جوانان توهمی نسبت به جناح اصلاح طلبان باقی مانده رفع شده باشد. مردم تونس و مصر خواهان سرنگونی حکومت هایشان بودند و با وجود سرکوب ها و دستگیری ها و کشتارها ایستادند و عقب ننشستند. اما جنبش مردم ایران علیرغم فداکاری ها و رادیکالیسمش خواهان سرنگونی نبود. رفرم و اصلاحات و سازش تنها به ضرر مردم خواهد بود. خطری که در کمین مصر و تونس هم هست، اما هنوز به وقوع نپیوسته است. پیوستن ارتش به مردم و اعلام برخورد نکردن با مردم از نشانه های آماده سازی فضای سازشکارانه است. ارتش و پلیس نیز ارگان های همان دولت های مستبد هستند.

امروز روز مطرح کردن ایده ها است. جوانان دنیای عرب، آفریقا و خاورمیانه نیز مانند ما جوانان ایرانی خواهان آلترناتیو هستند. امروز باید کمونیسم را به میان آن ها برد و فریاد زد. رادیکالتر نمودن مبارزات اگر چه خوب است اما کافی نیست. باید برنامه مشخص داشت. یک برنامه انقلابی پویا. برنامه ای که مختصات جامعه ی آینده را خیلی واقعی ترسیم کند. امروز فضا برای همه چیز مهیا است. وجود حزب پیشروی انقلابی با داشتن چنین برنامه ای نیاز واقعی خیزش های مردمی است. کسانی که مدعی کمونیسم هستند و چنین حرکت هایی را بورژوایی تلقی می کنند باید بدانند که هر جنبش آن طور که شروع می شود لزوماً همانگونه به پایان نمی رسد. اگر مدعیان انقلاب منتظرند تا یک

حرکت شسته رفته انقلابی به وجود بیاید که کارگران آغازگران آن باشند و بعد آن ها بیایند و رهبری کنند باید گفت که خیلی کوتاه فکرانه است. جوانانی که امروز در خیابان های مصر، تونس، اردن و یمن می جنگند اکثراً دانشجو و تحصیل کرده و از طبقات گوناگون جامعه هستند. اما حضور آن ها قشرهای مختلف از جمله کارگران را نیز به میدان آورده است. این مبارزان باید برای ما جوانان در ایران و سایر نقاط دنیا و بالاخص منطقه ی خاورمیانه الگو باشد. در حال حاضر همان جوان ها هستند که جنبش را هدایت می کنند و نسبت به روزهای اول مبارزه شان رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است. امروز کمونیسم بیش از هر وقتی در دنیا طلب می شود. انقلاب در حال گذر از مرزهای دنیا است و طبقات مختلف با یکدیگر متحد شده اند. اما خطر احیای نظام های گذشته با رنگ و لعاب های جدید و فریب توده ها و به هرز رفتن مبارزاتشان و خون های ریخته شده نیز وجود دارد. باید واقعیت را دید. مردم به قدرت خودشان پی برده اند. اکنون حضور حزب پیشروی انقلابی طلب می شود که او نیز قدرت مردم را ببیند. باید برنامه واقعی و زنده داشته باشد و جلوی مردم بگذارد. حزبی که بتواند پاسخگوی سؤالات مردم درباره ی جامعه آینده باشد.

سخن آخر

اگر می خواهیم خاورمیانه ی بزرگ سوسیالیستی داشته باشیم، منطقه ای که آزاد و رها از وابستگی باشد، جایی که هر انسانی مانند یک انسان زندگی کند، سرزمینی که تفاوت های طبقاتی بر آن حاکم نباشد، باید مسلح شویم. سلاحی که برتر از هر توپ و تانک امپریالیست ها و مرتجعین است. سلاح ما کمونیسم است، کمونیسم علمی. سلاحی که می تواند در دست هر انسان ستمدیده ای باشد. سلاحی که مجهز شدن به آن راه را به همه نشان می دهد و هدایت کننده است. اگر می خواهیم دوباره برای سال ها قدرت به دست نیروهای ارتجاعی منطقه نیفتد و دست امپریالیست ها کوتاه شود باید کمونیسم علمی را درک کنیم و آن را به کار گیریم. علمی که پاسخگوی مسائل گوناگون است و برای همه آن ها دلیل و برهان و برنامه دارد. ما باید قدرت خودمان را درک کنیم. مردم تونس و مصر با دست خالی همه محاسبات دنیا را به هم زده اند. اگر کمونیسم علمی به میان آن ها برده شود قطعاً پیروزی واقعی در انتظار آن ها و در ادامه در آغوش همه ستمدیدگان جهان خواهد بود. ■

(بذر)

رفقای عزیز،

در زمینه مطالبی از نشریه دانشجویی بذر در ارتباط با شرایط تونس و مصر بخوانید تحت عنوان:
صدای انقلاب خاورمیانه "مشت آهنین" دیکتاتورها را می شکند

در انتشار آن ما را یاری نمایید

سپاس

بذر